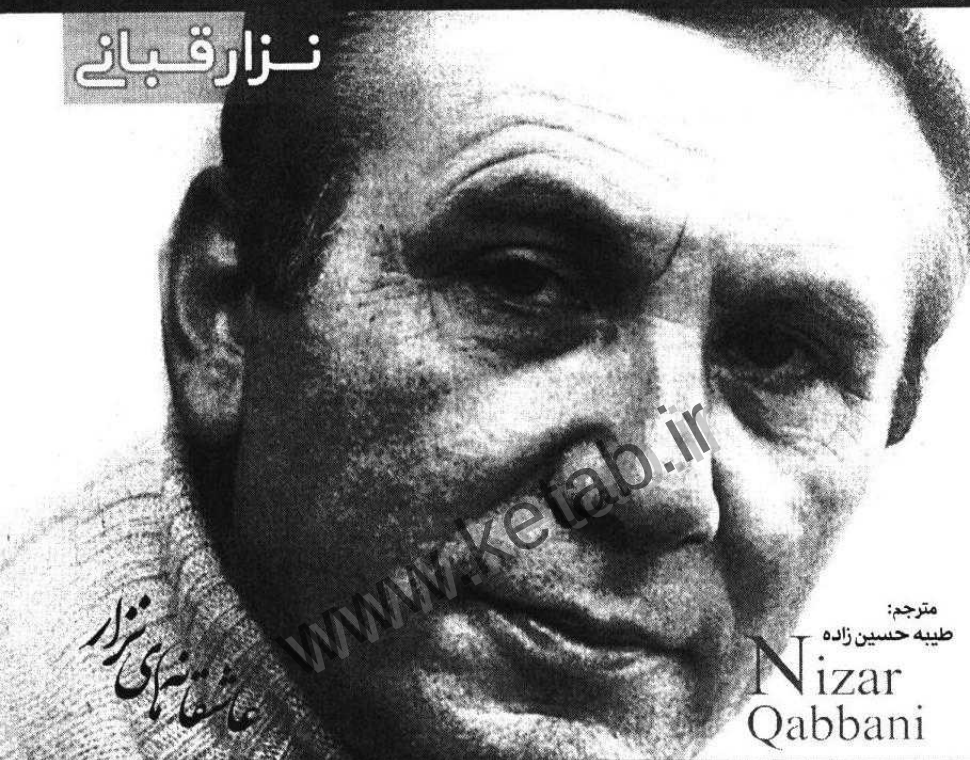


نزار قبانی



عاشقانه های نزار

مترجم:

طیبه حسین زاده

Nizar
Qabbani

چشمانت
وطن من است

سرشناسه: قربانی، نزار، ۱۹۲۳ - ۱۹۹۸ م. Qabbani, Nizar
 عنوان و نام پدیدآور: چشمانت وطن من است / نزار قربانی؛ مترجم طیبه حسین زاده.
 مشخصات نشر: قم: آوای ماندگار، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص. شابک: ۷-۲۴-۶۷۴۸-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر عربی -- قرن ۲۰ م.
 موضوع: Arabic poetry -- 20th century
 موضوع: شعر عربی -- قرن ۲۰ م. -- ترجمه شده به فارسی
 موضوع: Arabic poetry -- 20th century -- Translations into Persian
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از عربی
 موضوع: Persian poetry -- 20th century -- Translations from Arabic
 شناسه افزوده: حسین زاده، طیبه، ۱۳۵۷-، مترجم
 رده بندی کنگره: PJA۴۸۸۸
 رده بندی دیویی: ۸۹۲/۷۱۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۴۶۱۱۳
 وضعیت رکورد: فیبا



انتشارات آوای ماندگار

عنوان: چشمانت وطن من است
 نویسنده: نزار قربانی
 مترجم و ویراستار: طیبه حسین زاده
 صفحه آرای: سحر عاشق
 چاپخانه: آریا
 نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۸۰۰۰ تومان
 شابک: ۷-۲۴-۶۷۴۸-۶۲۲-۹۷۸

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

مرکز پخش: ۲۱ ۲۵ ۶۵۲ ۰۹۱۲

فهرست

۱.....	مقدمه مترجم
۷.....	دوستت دارم در عمری که نمی‌داند عشق چیست!
۱۲.....	چیست عشق؟
۱۶.....	به تو خواهم گفت «دوستت دارم»
۱۹.....	من با آنان از تو نگفتم
۲۰.....	خوش‌ترین خبر
۲۲.....	دوستت دارم... دوستت دارم و بقیه خودش می‌آید
۲۸.....	نامه‌تو در صندوق پستی
۳۱.....	آن گاه که دوستت می‌دارم
۳۵.....	پرتقال
۳۹.....	بسیار دوستت می‌دارم
۴۳.....	عشق بدون مرز
۴۹.....	تن تو نقشه جغرافیای من است
۵۲.....	عشقی استثنایی برای زنی استثنایی
۵۹.....	دوستت دارم... دوستت دارم و این امضای من است
۶۳.....	هر سال و تو محبوب منی
۷۱.....	بگو: «دوستت دارم»
۷۳.....	دشوارترین عشقی که تجربه کردم
۷۶.....	چکامه دلتنگی
۸۰.....	مسئولیت
۸۲.....	بیروت دیگر تنهایی نمی‌خواهد
۸۴.....	جشن
۸۶.....	چه؟
۸۸.....	زن می‌خواهمت
۹۳.....	برنامه نزاری برای تغییر دنیا
۹۸.....	روزی خواهد آمد
۱۰۲.....	تقدیر درونم
۱۰۵.....	چرا تو؟
۱۰۷.....	دوباره باران می‌بارد
۱۰۹.....	ساده بودم
۱۱۱.....	تو من را با علم حساب دوست داشتی و من تو را
۱۱۲.....	نقطه بی‌بازگشت
۱۱۳.....	نیاز دارم
۱۱۶.....	چکامه دریایی
۱۱۸.....	عشقت پرنده‌ای است سبز
۱۲۰.....	با زنی بیرونی
۱۲۳.....	مهربان باش با رگ و پیوندم
۱۲۵.....	پست بیروت
۱۲۹.....	آیا این یک نشانه است؟
۱۳۱.....	تصمیم

فهرست

زنی در من راه می‌رود	۱۳۵
جهان ساعتش را با چشمان تو کوک می‌کند	۱۴۰
چهره‌ات چونان قطعه قمیده است	۱۴۴
دوستت دارم تا آسمان اندکی فراتر رود	۱۴۶
تمورات خاکستری	۱۵۳
سیالات	۱۵۹
دوستت دارم و پیرانتر را می‌بندم	۱۶۴
سپتامبر	۱۶۸
هر گاه شعری عاشقانه سرودم، مردم تو را ستودند	۱۷۱
در همین امشب	۱۷۶
محبوبم از من می‌پرسد	۱۸۱
عشق، محبوب من	۱۸۲
تاریخ تولدم	۱۸۳
اگر می‌بودی	۱۸۴
چرا؟	۱۸۵
حک شده‌ای تو بر دستانم	۱۸۶
همه آنچه از من می‌گویند	۱۸۷
شب‌بارانی	۱۸۸
سال نو چگونه آغاز خواهد شد؟	۱۸۹
پیش از تو تمام زبان انگارهای بودند	۱۹۰
به کودکان دنیا آموختم چگونه نامت را هجی کنند	۱۹۱
چشمان تو	۱۹۲
عشق رقابتی	۱۹۳
دوستت دارم	۱۹۴
تقدیری تو به شکل زنی	۱۹۵
بزرگ‌ترین اثر من	۱۹۶
آذرخش	۱۹۷
شب	۱۹۸
بدون نقطه	۱۹۹
عطر	۲۰۰
زیبایی	۲۰۱
دین	۲۰۲
خبرچینی	۲۰۳
اگر ما عزلت بجوییم	۲۰۴
آغاز تاریخ	۲۰۵
استاد شعر من	۲۰۶
آشیانه کبوتران	۲۰۷
تعریف جدید وطن	۲۰۸
بیهوده می‌نگارم	۲۰۹

مقدمه مترجم

کمتر کسی است که نزار قبانی شاعر بلندآوازهٔ معاصر عرب را نشناسند. او در ۲۱ آذار (مارس) ۱۹۲۳ در دمشق و در یک خانوادهٔ متوسط به دنیا آمد. دومین فرزند از چهار پسر و یک دختر خانواده بود. پدرش «توفیق القبانی» یک شیرینی‌پزی داشت سو در آن سال‌ها که نهضت مقاومت ضد اشغال فرانسویان در سوریه جریان داشت، پدر نزاری یکی از مردانی بود که به این نهضت کمک می‌کرد. وقتی پدرش بازداشت شد، او فهمید پدرش علاوه بر شغل شیرینی‌پزی به حرفهٔ آزادی هم اشتغال دارد و این تعدد شخصیت در وجود پدر به او و شعر او هم انتقال یافت.

نظام تعلیم و تربیت سوریه هم در آن زمان به دلیل تحت‌الحمایه بودن سوریه، برای زبان فرانسه آمیزش ویژه قائل بود و دانش‌آموزان و دانشجویان مجبور بودند صحبت کردن و نوشتن را به این زبان بیاموزند. در سایهٔ این فرهنگ، زبان فرانسه زبان دوم نزار شد. او در حین قضایی شروع به خواندن آثار نویسندگان و شاعران فرانسوی به زبان اصلی کرد که فرصتی را برای آشنایی و اجازهٔ ورود به ادبیات اروپا، به ویژه ادبیات فرانسه را برای او فراهم آورد. اما در شعر عربی معلم ادبیاتش «خلیل مردم‌بک» بیشترین تأثیر را بر او داشت.

نزار قبانی بخش مهمی از شعر معاصر عربی را تشکیل می‌دهد. او از شانزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و خانهٔ آنها در محلهٔ «مئذنه الشحم» کلید شعرش و در ورودی آن است.

او شعر را انقلاب با واژه‌ها می‌داند که باید چهرهٔ دنیا را دگرگون کند و در وجود انسان تحولی پدید آورد؛ اما احساس می‌کرد زمان شعر در جای خود متوقف شده است. او میان شعر در نیمهٔ اول قرن بیستم با شعر در قرون اول

مقدمه



یا دوم یا دهم تفاوتی نمی‌دید. نزار همه آنها را قاب‌هایی بلاغی می‌دید که دست به دست می‌گشت و از مالکی به مالک دیگر منتقل می‌شد. اگرچه اشعار نزار در دفترهای نخستش رنگ و بوی اشعار پیشینیان را دارد، تلاش کرد از قید و بند شعر و وزن و قافیه آن در برخی از شعرهایش رها شود.

پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال به وجود آمدن تغییراتی در سرزمین‌های عربی و از آن جمله پایان یافتن سلطه انگلیس و فرانسه در این مناطق، مردم خواستار تغییر اوضاع و اصلاحات اجتماعی بودند. در این میان نسل جوان سوریه که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ فرانسوی تربیت شده بود، آرزوی تجدد را در دل می‌پرورد و بسیاری از رسوم و آرای کهنه را نمی‌پسندید. یکی از آنها مظلومیت و محرومیت زن عرب در مقایسه با موقعیت اجتماعی زنان در مغرب‌زمین بود. از این رو نزار با انتشار دیوان نخست خود در سال ۱۹۴۴ «قالت لی السمراء» لرزه‌ای در اندام شعر عربی انداخت. نسل قدیم آن را به شدت رد کرد به خصوص که شاعر عربی پرده از عشق و عوالم آن سخن گفته بود. اما نسل جدید افکار خود را در آن منعکس می‌یافت و سادگی و صداقتش را می‌پسندید؛ به ویژه که زبانی روان داشت و عاری از تصنع بلاغی شعر قدیم عربی بود.

پس از آن شعر نزار مانند هوا در همه شهرها و روستاهای عربی منتشر شد و مانند نور خورشید از در و پنجره‌های خانه‌های مردم درون آنها نفوذ می‌کرد. نزار شعرش را از دهان گنجشکان، نم‌نم باران و صدای امواج می‌گیرد و با عطر دریا، نرگس، بابونه و یاسمن می‌پروراند. اسلوب شعری او دارای ضریاهنگ صوتی است. به طوری که اغلب شعرهایش را خوانندگان به نام جهان عرب خوانده‌اند.

مقدمه

